

انتظار

و
دو داستان دیگر

مارسل
امه

ترجمه
سحر
نوری

سری پنگوئن - ۲

نشر حکمت کلمه

سرشناسه: امه، مارسل، ۱۹۰۲ - ۱۹۶۷، Ayme, Marcel.
عنوان و نام پدیدآور: انتظار / مارسل امه؛ ترجمه‌ی اصغر نوری.
مشخصات نشر: تهران: حکمت کلمه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۷۲ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۹۲-۶-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی سه داستان از کتاب "Le p
muraille : nouvelles" است.
موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده: نوری، اصغر، ۱۳۵۵ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ الف۸م۹ PQ/۲۶۰۳
رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۸۷۸۲۳

انتظار و دو داستان دیگر
مارسل امه
کتاب‌های جیبی-۳
سری پنگوئن-۲
ترجمه‌ی اصغر نوری
طراح جلد: خالق گرجی
صفحه‌آرا: مریم فرنام
چاپ اول، ۱۳۹۵، ۱۰۰۰ نسخه

فروشگاه مرکزی: تهران، خیابان آزادی، نرسیده به میدان انقلاب، بازار اسل،
طبقه دوم، پلاک ۸۴، کتاب کاغذ.
تلفن: ۰۲۰۵۵۷۳۳۴۰۲-۰۸۴۳۰۵۰۸۶۰۵
همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	انتظار
۱۱	مأمور وصول مالیات
۵۷	مأمور اجرا

مقدمه‌ی مترجم

مارسل امه Marcel Aymé، ۲۹ مارس ۱۹۰۲ در شهر کوچک ژروانی، واقع در ایالت من فرانسه به دنیا آمد. در سال ۱۹۲۳ به پاریس رفت و در رشته‌ی پزشکی تحصیل کند، اما زیاد در دانشکده بند نمی‌سد و به چه شغل کوچک مثل کارمند بانک، مأمور بیمه و روزنامه‌گاری روی آورد. اولین رمانش را در سال ۱۹۲۵ نوشت. «برولبوا» سال ۱۹۲۶ چاپ شد و از همان اول انزجار او از ریخت‌وپاش‌های بورژوازی و ادا و اطوارهای روشنفکرانه را برملاء کرد. بعد از چاپ این رمان، امه مدتی به عنوان گزارشگر بورس در رادیو کار کرد. دومین رمانش را به یک ناشر معتبر پیشنهاد کرد. گالیمار رمان «سگ و برگشت» را پذیرفت و سال ۱۹۲۷ چاپش کرد. همین امر باعث شد که میان اهالی ادبیات شناخته شود، اما موفقیت واقعی دو سال بعد از آن رسید. مارسل امه سال ۱۹۲۹ با رمان «میزی برای مردگان» برنده‌ی جایزه‌ی رونودو شد.

رمان بعدی، «خیابان بی‌نام»، یک سال بعد چاپ شد و موفقیت رمان قبلی را تکرار کرد. از آن تاریخ به بعد، امه در شماره‌ی ۹ خیابان سکوار کارپو واقع در مونمارتر ساکن شد. اما او از

ریشه‌های روستایی‌اش جدا نشده بود و بعضی از رمان‌های بعدی‌اش در روستا می‌گذشتند، حتا در آن رمان‌ها و داستان‌هایش که در پاریس اتفاق می‌افتادند، پاریس را مثل یک روستا به تصویر می‌کشید. این پاریس، پاریسی بود که امه درش زندگی می‌کرد، روی تپه‌ی مونمارتر، به دور از سالن‌های فاخر ادبی و در معاشرت با تعداد کمی از اهالی ادبیات، هنرمندان و پسر بچه‌های شیطان؛ پاریسی در حد و اندازه‌های یک محله که در آن خوب‌ها و بدها در هم زندگی می‌کردند و در مجاورت هم، از روزمرگی رنج می‌بردند، نوعی روزمرگی که گاهی با خیال آمیخته می‌شود.

اما سال ۱۹۳۳، با رمان «مادیان سبز» به نویسنده‌ای پرفروش تبدیل شد. این کتاب که خشکه مقدس‌ها آن را کتابی غیر اخلاقی و مقدس‌ناشاند، در تیراژ بسیار بالایی به چاپ رسید. به عقیده‌ی بسیاری از منتقدان، «مادیان سبز» بهترین رمان مارسل امه است. روستایی که او در این کتاب به تصویر می‌کشد، شباهت زیادی به روستای دوری سوک‌اش، وی‌یر روبیر دارد. در این اثر، امه با شرح سرگذشت و خانواده و وقایع روزانه‌ی روستای کلاکبوک را از پایان دوره‌ی امپراتوری سوم (ناپلئون سوم) تا نهضت بولانژسیم نقل می‌کند. اما به‌ویژه در فصول جداگانه، این وقایع را تفکراتی تحت عنوان «سر دل‌های مادیان» قطع می‌کند. این مادیان، به رنگ زیبای سبز یشمین عنصری خیالی را وارد سمفونی روستایی می‌کند. همزمان با شهرت و بی‌بی که «مادیان سبز» برای امه فراهم می‌کرد، او به سینما هم وارد شد. کارگردانی به نام پ. شانال فیلمی بر اساس رمان «خیابان پرنس» ساخت که دیالوگ‌هایش را خود امه نوشت و این آغاز دوره‌ای دیگر در زندگی او به عنوان دیالوگ‌نویس و بعدها فیلمنامه‌نویس بود.

در طول جنگ دوم جهانی و در زمان اشغال فرانسه، امه یک مجموعه داستان (دیوارگذر) و سه رمان (تصویر زیبا، تراولینگ، لاوویور) نوشت. او برای روزنامه‌هایی که با آلمان‌ها همکاری می‌کردند، داستان و مقاله می‌نوشت اما در متن‌هایش، ردپای هیچ تمهید سیاسی به هیچ جناحی دیده نمی‌شد، به طوری که پس از آزادی فرانسه، اسمش در هیچ لیست سیاهی نبود و برخلاف دوست، نزدیکش، لویی فردینان سلین، از تصفیه حساب‌های بعد از جنگ در امان ماند.

پس از جنگ، امه با یک کارگردان تئاتر به نام دوکنگ آشنا شد که قصد داشت نمایشنامه‌نویسی او اعتماد کرد و نمایشنامه‌ی «لوسین و قصب» سال ۱۹۴۸ به روی صحنه برد. اجرای این نمایشنامه و موفقیت آن، بصری که در پی داشت، برای امه آغاز یک دوره‌ی کاری تازه بود. همان نمایشنامه‌نویس بود که با نمایشنامه‌های موفق سرانبار ۱۹۵۰، سر دیگران (۱۹۵۲) و پرندگان ماه (۱۹۵۵) ادامه یافت. در همین ایام به امریکا دعوت شد، اما از مدل زندگی امریکایی خوشتر نیامد و دوران قامت در امریکا فقط الهام‌بخش دو نمایشنامه، دس‌س‌آبی (۱۹۵۷) و لویزیان (۱۹۶۱) که جزو شاهکارهای او به حساب می‌آیند. سال ۱۹۶۰ با اثری جذاب و بسیار موشکافانه به نام کشوهای ناشناس دوباره به رمان روی آورد، اما آخرین اثرش نمایشنامه بودند. آخرین نمایشنامه‌ی امه «قرارداد بلزیر» بود که درست چند ماه قبل از مرگ زودهنگام‌اش به اجرا درآمد.

او که به تمام ژانرهای ادبی علاقمند بود، در طول زندگی‌اش چند کتاب نظری هم نوشت: که از آن میان می‌توان به شیخ رسوایی (۱۹۳۸)، سوراخ دستگیره (۱۹۴۶)، نبرد روشنفکرانه

(۱۹۴۶) اشاره کرد. او در این کتاب‌ها و به ویژه در «نبرد روشنفکرانه»، قابلیت‌های صراحت اندیشه و زبان را می‌ستاید. در واقع مشخصه‌های آثار خودش، کلاسیسیم عمیقی است که همیشه با تخیل، شوخی و طنز همراه است.

مارسل امه سال ۱۹۵۰ عضویت در آکادمی فرانسه را رد کرد. ۲۸ فوریه‌ی همان سال، در پاسخ به فرانسوا موریاک نوشت: «از شما بسیار سپاسگزارم که برای کرسی که کونتی به من فکر کرده‌اید و این موضوع را در فیگارو ادبی نوشته‌اید. با آسفتگی بسیار، به «چشمک» شما که بسیار مایه‌ی افتخار است، پاسخ می‌دهم. من به شما بگویم که حس نمی‌کنم قابلیت یک عضو آکادمی را داشته باشم. به عنوان یک نویسنده، همیشه تنها زندگی کرده‌ام، جدا از همکاران، ولی نه از روی تکبر، ابتدا، برعکس بیش‌تر به سبب کم‌رویی و همین‌طور تنبلی؛ اگر بین گروهی چهل نفره از نویسندگان، چه را می‌آید؟ عظم را از دست می‌دهم و مسلماً نمی‌توانم بعد از ایراد کنم. به این ترتیب، چیز بی‌ارزشی گیرتان می‌آید...». همان سال قابلیت یک «شوالیه‌ی لژیون افتخار» را هم در خود حس نکرد. این افتخار را هم نپذیرفت. او همیشه سعی می‌کرد، بخارش را به طور مستقل پرورش دهد و از محافل سیاسی و ادبی دوری می‌کرد. امه در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۷ بی‌آن‌که نشان افتخاری داشته باشد، درگذشت.

مارسل امه، نگاه بدبینانه‌ای به جهان دارد؛ بی‌این‌که نگاه به جای منتهی شدن به یأس و پوچی، به طنزی سیاه می‌انجامد. در عرصانی در خود دارد. او با شلاق طنز به تمام حماقت‌های جهان حمله می‌کند و با هیچ‌یک از رسم‌های جعلی که با گذشت زمان، وجهه‌ای ارزشمند پیدا کرده‌اند، کنار نمی‌آید. با این همه، مارسل

امه اهل موعظه و پند دادن نیست؛ قبل از هر چیز، می‌خواهد سرگرم‌مان کند و با درآمیختن واقعیت و خیال، ما را از فشار روزمرگی‌ها برهاند. آثار او بسیار متنوع‌اند، گاهی واقع‌گرا هستند، گاهی هجوآمیز و گاهی فانتزی. حتی گاهی اوقات، نویسنده در یک اثر، احد از سبکی به سبک دیگر می‌لغزد و در عین حال، لحن اثر را ثابت نگه می‌دارد. او نقاش ماهری است و محیط روستا، شهرهای کوچک و پاریس را استادانه به تصور می‌کشد. از بین رمان‌های به مایه‌اش، «میزی برای مردگان»، «مادیان سبز» و «وویو» از اهمیت بیش‌تری برخوردارند. «آسیاب بی‌صدا» بهترین رمان شهرستانی‌اش است و از بین رمان‌های پاریسی‌اش، «گوشت زرد می»، «کوشوهای ناشناس» و «تراولینگ» معروف‌تر از بقیه‌اند. «تراولینگ» اولین جلد از یک تریلوژی است که به تاریخ معاصر می‌پردازد. در این جلد این تریلوژی، «راه دبستانی‌ها» نام دارد و در دوره‌ی فعالیت پاریس می‌گذرد و جلد سوم، «اورانوس»، روایتگر دوره‌ی آرسنی است.

در تناثر امه، آمیزه‌ای از طنز زهردار، فانی و سازش‌ناپذیری عمیقی را می‌بینیم که مایه‌ی جذابیت رمان‌ها و داستان‌های او هستند. همه‌ی نمایش‌نامه‌های امه کم‌دی‌آنا و تتریا به سبک رمان‌ها و داستان‌های او نوشته شده‌اند. «لوسین و قصاب» کم‌دی‌عاشقانه‌ای است درباره‌ی خلیات و رفتار انسان‌ها که نویسنده در آن با دقتی وسواس‌گونه زندگی شهری کوچک را توصیف می‌کند، شهری که تمام مردمش به نوعی مشکل عاطفی دچارند. در ساعت‌ساز پیر (لوسین) که زنی زیبا و جوان است، عاشق بازوهای درشت و پشیمند خون‌آلود قصاب محله می‌شود. پیردختری سالخورده، دکتر، خود ساعت‌ساز و تمام اهالی شهر، در عین

پایبندی به رسوم و اصول اخلاقی، از چنین وسوسه‌هایی در امان نیستند. «کلرانبار»، که بی‌شک بهترین نمایش‌نامه‌ی امه است، مثل بسیاری از داستان‌های او، اثری نامتعارف است که توجهی به واقع‌گرایی ندارد. چه کسی باور می‌کند که کنت دو کلرامبار، نجیب‌زاده‌ی روستای خشن و مستبدی که برای نجات املاکش از دست طلبکاران، افراد خانواده‌اش را به کار اجباری وا می‌دارد، ناگهان پیرو «سن فرانسوا داسیز» شود و از سر خاکساری تصمیم بگیرد؟ زنی روسپی را به همسری پسرش درآورد و خودش در جاده گدایی کند؟ ولی از پوچی همین موقعیت است که کم‌دی نسی می‌شود، نوعی کم‌دی عظیم و عریان که آثار رابله را به ذهن تداعی می‌اندازد. «سر دیگران»، مطالعه‌ی خلقیات، به صورت هجو خشن عادت می‌آید. امه در «پرندگان ماه»، زندگی روزمره و دنیای خیال را درهم می‌آمیزد. ولی به مانند داستان‌هایش، اینجا هم نویسنده ما را به جهان کیهانی افسانه‌های پریان نمی‌برد بلکه جنبه‌های پریوار را وارد زندگی روزمره می‌کند: با ناظم مدرسه‌ای طرف هستیم که از عالم بالا قدرت می‌گیرد و می‌تواند انسان‌ها را به شکل پرندگان درآورد؛ بنابراین خیال کامل است، مثل اکثر آثار امه.

داستان‌های امه جزو بهترین داستان کوتاه‌ی ادبیات فرانسه هستند و او بیش‌تر به خاطر همین داستان در تاریخ ادبیات فرانسه ماندگار شده است. تقریباً در تمام داستان‌های امه طنز، بسیار قوی و غیرقابل انکار وجود دارد که با همراهی سنجی منحصر به فرد و بی‌پروا، به نویسنده اجازه می‌دهد که عادت‌های اجتماعی و ادا و اطوارهای روشنفکرانه را به باد انتقاد بگیرد. او با تصویر کارمندی که می‌تواند از دیوار بگذرد، زنی که می‌تواند تکثیر

شود و همزمان در همه جا حضور یابد، کوتوله‌ای که در سی‌وپنج‌سالگی به یکباره قد می‌کشد، حکمی که زمان را در یک لحظه، چندین سال جلو می‌برد و... تنها در پی ترسیم موقعیتی خنده‌دار نیست، بلکه اخلاقی خاص را ارائه می‌دهد. از معروف‌ترین مجموعه داستان‌های او می‌توان به «کوتوله»، «دیوارگذر» و «سراب پاریس» اشاره کرد. البته باید حساب جداگانه‌ای روی مجموعه «قصه‌های گربه‌ی نشسته روی شاخه» باز کرد که امه‌ها بین سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۴۶ نوشت؛ قصه‌هایی برای کودکان «بهار تا هفتاد و پنج ساله» که در آنها حیوانات از سیاست و ادبیات و مسائل علمی حرف می‌زنند. کوچک‌ترین قابلیت مارسل امه این است که توانست شخصیت‌هایی بیافریند که اکنون جزو حافظه جمعی مردم فرانسه هستند. کم‌تر کسی در فرانسه است که قصه‌ای «گم به هوا» را نشنیده باشد و شخصیت‌های منحصر به فرد داستان‌های او مثل گروگرو، سابین و کارمندی که از دیوارها می‌گذرد را نداند. بسیاری از داستان‌ها و رمان‌های او بارها در تلویزیون و سینما مورد انبساط قرار گرفته‌اند و او را به نویسنده‌ای برای تمام نسل‌ها تبدیل کرده‌اند.

داستان‌های «انتظار»، «مأمور وصول مالیات» و «سازگار اجرا»، از مجموعه داستان دیوارگذر (۱۹۴۳) انتخاب شده‌اند. پنج داستان دیگر از این مجموعه، با همین ترجمه، در کتابی به همین نام در نشر ماهی منتشر شده‌اند (دیوارگذر، ۱۳۸۸).